

مجموعه مقالات

میرزا ابوالحسن خان فروغی

علم و آزادی

به سعی و اهتمام

عباس قدیمی قیداری، علی اصغر چاهیان بروجنی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم و آزادی

مجموعه مقالات میرزا ابوالحسن خان فروغی

به سعی و اهتمام:

عباس قدیمی قیداری

علی اصغر چاهیان بروجنی



شعری

عنوان و نام پدیدآور	: علم و آزادی : مجموعه مقالات میرزا ابوالحسن خان فروغی / به سعی و اهتمام عباس قدیمی قیداری ، علی اصغر چاهیان بروجنی .
مشخصات نشر	: تهران: نشر علم، ۱۳۹۵ .
مشخصات ظاهری	: ۳۱۵ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۸۳۷-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
عنوان دیگر	: مجموعه مقالات میرزا ابوالحسن خان فروغی.
موضوع	: مقاله‌های فارسی -- قرن ۱۲
موضوع	: فروغی، ابوالحسن، ۱۳۶۳ - ۱۳۳۸. -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	: Persian essays -- 20th century
موضوع	: تجدد -- ایران -- تاریخ -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	: Modernity -- Iran -- History -- Addresses, essays, lectures*
موضوع	: ایران -- اوضاع اجتماعی -- قرن ۱۳ق. -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	: Iran -- Social conditions -- 19th century -- Addresses, essays, lectures
موضوع	: ایران -- اوضاع اجتماعی -- قرن ۱۴ -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	: Iran -- Social conditions -- 20th century -- Addresses, essays, lectures
شناسه افزوده	: قدیمی قیداری، عباس، -، گردآورنده
شناسه افزوده	: چاهیان بروجنی، علی اصغر، -، گردآورنده
رده بندی کنگره	: PIR81۶۵ / ۹۸۴۸ ۱۳۹۵
رده بندی دیویی	: ۶۳/۴۶۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۵۸۰۲۹



شعاع

علم و آزادی

مجموعه مقالات میرزا ابوالحسن خان فروغی

به کوشش: عباس قدیمی قیداری، علی اصغر چاهیان بروجنی

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: رامین

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۸۳۷-۷

فهرست

مقدمه	۵
خاندان فروغی و میرزا ابوالحسن فروغی	۸
سرمایه‌ی سعادت	۳۳
اوراق مشوش یا مقالات مختلفه	۷۹
به سمه عزّ شانه و عظم برهانه	۷۹
رسم نوروز سلطانی	۸۱
مقاله‌ی اخلاقی	۸۴
ترجمه حال مرحوم غفران مآب حاجی نجم الدوله طابت تربته	۱۰۱
خیالی همسنگ خواب	۱۰۷
تحقیق در تربیت اخلاقی	۱۱۳
دیباچه‌ای برای مثنوی گنج زر	۱۲۵
تقریظ افتتاح مدرسه دولتی نقاشی یا صنایع مستظرفه ایران	۱۳۱
مقدمه برای رساله مکاشفات علمیه	۱۳۴
مقاله اخلاقی در باب تربیت عقلانی	۱۴۸
تجدد و ملیت و تناسب این دو معنی با یکدیگر	۱۶۵
تحقیق در حقیقت تجدد و ملیت	۱۶۵
مقدمه‌ی حکمتی امر	۱۶۹
حل مسأله	۱۷۳
نتیجه	۱۸۳
کمال مطلوب ایرانیت یا مأموریت تاریخی ایران	۱۸۸

۲۰۴.....	اعتذار و سلام مخلصانه‌ی نگارنده
۲۰۵.....	اجداد ابوالحسن فروغی
۲۰۶.....	منابع
۲۱۱.....	فهرست اعلام

سرمایه سعادت علم و آزادی است
و این گوهر تابناک چشم و چراغ آبادی.

مقدمه

ابوالحسن فروغی پسر محمد حسین فروغی ذکاءالملک اول و برادر کوچکتر محمد علی فروغی از اندیشه‌گران و روشنفکران تأثیر گذار تاریخ فرهنگ معاصر ایران است که کمتر از او سخن گفته شده است. فروغی سال‌ها رئیس دارالمعلمین مرکزی و معلم مدرسه علوم سیاسی و مدتی سفیر ایران در سوئیس و نماینده ایران در جامعه ملل بود. شخصیت اصلی او در معلمی و تدریس و نویسندگی تجلی یافت تا در کارهای سیاسی و دیپلماتیک. ابوالحسن فروغی در مقام معلم مدرسه سیاسی و دارالمعلمین مرکزی و استادی دانشگاه تهران، شاگردان فراوانی تربیت نمود که همگی در زمره برجسته‌ترین استادان دانشگاه و چهره‌های مشهور فرهنگ ایران معاصر درآمدند. مجتبی مینوی، عباس اقبال آشتیانی، علی‌اکبر سیاسی، قاسم غنی، عیسی صدیق، فخرالدین شادمان، غلامحسین مصاحب، مهدی بازرگان، یدالله سبحانی، محمد قریب و ...

این مجموعه، مقالات و نوشته‌های ابوالحسن فروغی از آستانه مشروطیت تا سالهای پایانی سلطنت رضاشاه پهلوی را شامل می‌شود. اهمیت این نوشته‌ها زمانی روشن می‌گردد که در ظرف تاریخی‌اش مورد مطالعه قرار گیرد. دو نوشته او در این مجموعه از اهمیت به سزایی برخوردار است: سرمایه سعادت یا علم و آزادی و تجدد و ملیت و تناسب این دو معنی با یکدیگر. در نوشته نخستین در اندیشه چاره جوئی برای برون رفت از بدبختی و مکنّت عمومی و عقب ماندگی از قافله تمدن و علم برآمده است. از این نوشته بر می‌آید که ابوالحسن فروغی، چاره را در تغییر نظام

سیاسی نمی‌دید، بلکه پایه و اساس هر تغییر سیاسی و اجتماعی را در گسترش علم و دانش و زدودن جهل و جهالت جستجو می‌کرد. از دیدگاه فروغی جهل و استبداد لازم و ملزوم یکدیگرند. استبداد زائیده جهل و بی‌دانشی است. علم و دانش ضد استبداد است و پاد زهر آن. استبداد حقوق انسانی و آزادی را سلب می‌کند. از دیدگاه فروغی علاج تمام دردها و عقب ماندگی‌ها و بدبختی و مکنت عمومی، از میان برداشتن استبداد است. اما استبداد به آسانی از میان نمی‌رود و آزادی به سهولت به دست نمی‌آید. چاره کار در از میان بردن جهل عمومی و گسترش و رونق علم و دانش است. علم و دانش «چشم‌ها و گوش‌ها» را باز می‌کند و مایه و مقدمه بیداری ملت به شمار می‌رود و دشمن جهل و جهالت است. علم و دانش استبداد را از میان بر می‌دارد و پیام‌آور آزادی و شایسته سالاری است. علم چنان صدفی است که گوهری چون آزادی را در میان خود جای داده است. از نگاه فروغی آزادی متفاوت از خود سری است و قانون عامل و ابزار کنترل آزادی است. اگر رفیق استبداد هرج و مرج است، رفیق آزادی هم قانون است.

در نوشته دیگر «تجدد و ملیت و تناسب این دو معنی با یکدیگر» که تکمیل شده نطق او در سفارت ایران در پاریس در سال ۱۳۰۹ است، از تعادل میان تجدد و ملیت سخن می‌گوید. در روزگاری که برخی پذیرش بی و چون چرای تجدد و برخی مقابله یکسره با آن را توصیه می‌کردند، فروغی از کسانی بود که بر ضرورت اخذ تمدن جدید با حفظ موارث ملی و سنتی و تاریخی ایرانیان تاکید می‌کند. او در این رساله تلاش دارد نشان دهد که تجدد تقلیدی، فراموشی ذات خویش و فنا شدن در ذات دیگران را در پی دارد و از این رو با ملیت که عبارت است از «بستگی به استقلال و اسم و رسم و اعتبار با تفرد قوم و ملت خود در میان اقوام دیگر» در تضاد و تناقض قرار می‌گیرد. او در این رساله نشان می‌دهد که تجدد خواهی می‌بایست با حفظ استقلال سیاسی و فرهنگی ایران همراه گردد. اندیشه‌های فروغی در شاگردان او مانند فخرالدین شادمان و مهدی بازرگان تأثیر به سزایی نهاد.

ابوالحسن فروغی در کنار اینکه استاد علوم سیاسی و تاریخ دان برجسته‌ای بود، ادیب صاحب‌نظری هم به شمار می‌رفت. دیباچه‌ی او در مجموعه اشعار خود در مثنوی شیدوش و ناهید در بحث از تجدد ادبی نشان می‌دهد که ادیبی سبک‌شناس هم بوده است. این مجموعه که با یاری و مساعدت دوست ارجمند علی اصغر چاهیان بروجنی فراهم آمده حاوی مقالات و نوشته‌های فروغی است به همراه افزوده‌ای در باب خاندان فروغی و میرزا ابوالحسن فروغی و اندیشه‌ها و دیدگاه‌های او را بازتاب می‌دهد در مسائل مهم زمانه. نوشته‌هایی که امروز هم بسیار خواندنی هستند.

عباس قدیمی قیداری

تبریز

تابستان ۱۳۹۵

خاندان فروغی و میرزا ابوالحسن فروغی

اجداد خاندان فروغی همگی برخاسته از اصفهان، تجارت پیشه، اهل فضل و معروف به ارباب بودند.^۱ حاج ملامؤمن جد هشتم محمدعلی و ابوالحسن فروغی، معاصر با شاه عباس اول و اولین فرد از اجداد خاندان فروغی است که نامش را می‌دانیم. از میرزا جواد و میرزا محسن (اجداد هفتم و ششم ابوالحسن فروغی) اطلاعی در دست نیست. این دو نفر به همراه ملامؤمن از فضایی دوران خود بوده‌اند. جد پنجم آنها میرزا ابوتراب در سال ۱۱۴۸هـ در شورای دشت مغان به دعوت نادرشاه به عنوان نماینده اصفهان حضور داشت. جد چهارم خاندان فروغی، میرزا کوچک در علم تجوید تبصری خاص داشت. جد سوم آنها حاج میرزا کاظم و جد دوم آنها حاج محمدرضا بود. حاج محمدرضا دو پسر به نامهای حاج محمد هادی و آقا مهدی ارباب و یک دختر داشت.^۲

آقا میرزا محمد مهدی ارباب (۱۲۳۳-۱۳۱۴هـ) فرزند محمدرضا ارباب اصفهانی و پدر میرزا محمد حسین فروغی ذکاءالملک و پدر بزرگ محمدعلی و ابوالحسن فروغی از اشخاص معروف و سرشناس اصفهان بود که در قبرستان محله آب بخشان اصفهان مدفون است.^۳ اعتمادالسلطنه درباره‌ی وی می‌نویسد: «... فاضلی است کامل و در تاریخ و جغرافیا و هیئت عتیق و جدید و نجوم بطلمیوسی و اروپایی به مقامی عظیم نایل». ^۴ محمد مهدی ارباب در جوانی به هندوستان رفت و در مدت پانزده سال اقامت، بر اثر همنشینی با انگلیسی‌ها و هندی‌ها، با برخی علوم و نمادهای تمدنی جدید و اوضاع و احوال مغرب آشنایی پیدا نمود.^۵ در دوران اقامت در هند به

تصحیح و چاپ شاهنامه‌ی فردوسی و تاریخ و صاف اقدام نمود. تاریخ و صاف به اهتمام، مقابله و تصحیح وی و با حواشی و توضیحات فارسی و عربی به ضمیمه‌ی فهرست و شرح نکات مشکل فارسی - عربی و ترکی در سال ۱۲۶۹ هـ به چاپ رسید.

آقا محمد مهدی در سال ۱۲۷۳ هـ پس از بازگشت به اصفهان به ترویج علوم جدید پرداخت، در اصفهان آن روز به مباحث علمی جدید توجهی نمی‌شد و محمد مهدی با مخالفت‌هایی روبرو گشت. وی پس از دو سال اقامت در اصفهان در سال ۱۲۷۵ هـ.ق. راهی تهران شد. در تهران با رجال عصر خود به ویژه شاهزاده علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه ارتباط یافت و طرف توجه وی واقع گشت. ضمن راهیابی به دارالفنون، به تدریس و فعالیت در آن مدرسه روی آورد.^۶

مهمترین یادگار آقا محمد مهدی ارباب در تهران تألیف کتاب «تصف جهان فی تعریف الاصفهان» در تاریخ و جغرافیای اصفهان است.^۷ این کتاب را باید جزء کتاب‌هایی دانست که برای تنظیم مرآت البلدان ناصری در دوران سلطنت ناصرالدین شاه تهیه تنظیم و تهیه شده است. هنگامی که مأمورین و گماشتگان دربار قاجاری برای جمع‌آوری مطالب تاریخی و جغرافیائی اصفهان از محمد مهدی ارباب یاری جستند در سال ۱۳۰۰ هـ گردآوری این کتاب را آغاز کرد و در سال ۱۳۰۳ هـ این تألیف را به پایان برد.^۸ تألیف دیگر محمد مهدی در هیئت و نجوم و محاکمه بین رای قدما و متأخرین از جهت آیات و اخبار در خصوص منظومه‌ی شمسی، حرکت خورشید، زمین و ترجیح رأی جدید بر قدیم بوده که نسخه‌ی آن در دست نیست.^۹ وقتی کار زراعت و تجارت تریاک در اصفهان رونق گرفت از آقا محمد مهدی ارباب اصفهانی و تجار بزرگ اصفهان خواسته شد تا در زمینه‌ی تأسیس کمپانی تریاک اقدام کند با تأسیس کمپانی وی به ریاست آن گمارده شد. وظیفه‌ی او نظارت بر ارسال عدل‌های تریاک و جلوگیری از تقلب بود.^{۱۰} عبدالغفار خان نجم‌الملک که وی را در سن هفتاد سالگی در اصفهان ملاقات نموده، درباره‌ی وی می‌نویسد: «از جمله اشخاص باهتر اهل علم و فضل و دانشمند که در اصفهان ملاقات نمودم آقا محمد مهدی ارباب پدر فروغی، سال‌ها در هندوستان

بوده، زراعت و تجارت تریاک را در اصفهان و در تمام ایران او رواج داد که حالا سالی ده هزار صندوق به خارج حمل می‌شود، هر صندوقی بیست و یک من تبریز و دویست و پنجاه تومان قیمت دارد و عمده‌ی پول و مالیات ایران از تریاک است». در ادامه وجود وی را دارای فواید بسیار برای دولت و ملت می‌داند، چراکه خدمات بزرگ از عهده‌ی وی برمی‌آید. چراکه تا زمانی که در کار تریاک و ساماندهی آن دخیل بود، تریاک با کیفیت خوب بسته‌بندی می‌شد و خیلی خوب به فروش می‌رفت تا اینکه بعد از عدم دخالت وی، اوضاع تریاک مغشوش شد و دچار کسادگی گشت.^{۱۱} در مجموع آقا محمد مهدی در مدت اقامتش در اصفهان گذشته از اشتغالات علمی و نشست و برخاست با اهل کتاب، در زمینه‌ی امور زراعی و تجاری نیز وارد شد و موجبات گسترش تجارت و زراعت تریاک را در شهرهایی همچون یزد و شیراز و ... فراهم آورد.^{۱۲} زراعت نیشکر در اصفهان نیز از رهاوردهای او از سفر هندوستان بود. چندین سال بعد از مراجعتش از هند در صدد گسترش آن در اصفهان برآمد، اما در اثر مانع‌تراشی‌ها و مخالفت‌های مسعود میرزا ظل‌السلطان که این عمل را در اصفهان ممتنع و بی‌حاصل می‌دانست به کلی دست از این کار برداشت.^{۱۳} رواج صنعت قلمکاری در اصفهان نیز از دیگر دستاوردهای سفر او به هندوستان بود، به طوری که روزانه چندین هزار نفر از این کار منتفع می‌گشتند و محصولات آنها صادر می‌گشت.^{۱۴} آقا محمد مهدی ارباب در پائیز سال ۱۳۱۴ هـ در سن هشتاد و یک سالگی در اصفهان درگذشت و از او یک پسر به نام میرزا محمد حسین و یک دختر به نام فاطمه سلطان بیگم باقی ماندند.

میرزا محمد حسین فروغی - تنها پسر محمد مهدی ارباب - در سال ۱۲۵۵ هـ. در اصفهان متولد شد. محمد حسین سه ساله بود که پدرش به سفر هندوستان رفت. با وجود بی‌علاقه بودن عمویش که در غیاب پدر، ریاست خانواده را بر عهده داشت، با عشق و علاقه تمام به تحصیل پرداخت. محمد حسین از همان کودکی استعداد فطری خود را در شعر و شاعری نشان داد و در سفر ناصرالدین شاه به اصفهان، محمد حسین خردسال غزلی برای قآنی خواند که مورد توجه او قرار گرفت.^{۱۵}

محمد حسین در زمانی که پدرش هنوز در هند به سر می‌برد، یک سالی به اتفاق عمویش به عتبات رفت و در آنجا تحصیل نمود. هنگامی که آقامحمد مهدی از هند به اصفهان بازگشت، اصرار داشت تا محمد حسین در زمینه‌ی تجارت و کسب معاش مشغول شود، وی ناچاراً همچون پدرش در سنین جوانی به تجارت روی آورد. ولی ناکام ماند و سرمایه خود را به کلی از دست داد. مدتی هم به بندر لنگه، جهرم، فسا و یزد مسافرت نمود و با گذراندن اوقاتش در آنجا باقیمانده سرمایه پدر را تمام کرد. مدتی در شیراز اقامت کرد و سپس به کرمان رفت و در دستگاه محمد اسمعیل خان نوری وکیل‌الملک حاکم کرمان - به مدت چند سال مشغول به خدمت گردید.^{۱۶} محمد حسین در کار تجارت موفق نشد و با پدر خود اختلاف‌های جدی پیدا کرد که این اختلاف‌ها به مشاجره نیز کشیده می‌شد. او هنوز در اندیشه ادامه تحصیل بود و پدرش بر تجارت اصرار می‌کرد. در نهایت میرزا محمد حسین برای همیشه راهی تهران شد و از سال ۱۲۸۹هـ در تهران رحل اقامت افکند.^{۱۷} میرزا محمد حسین ادیب اصفهانی در بدو ورود به تهران هنگامی که در کاروانسرای اقامت داشت، تصادفاً با میرزا عیسی وزیر حاکم تهران آشنایی پیدا کرد^{۱۸} و به تدریج زمینه‌ی آشنایی و ارتباط وی با محمدحسن خان اعتمادالسلطنه فراهم آمد و وارد مرحله‌ی تازه‌ای از زندگانی خود گردید.

در این هنگام محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، دارالطباعة سلطنتی که چاپ روزنامه بخشی از وظایف آن بود را اداره می‌کرد. میرزا محمد حسین کارش را در دستگاه اعتمادالسلطنه به عنوان منشی روزنامه دولتی آغاز نمود. میرزا محمد حسین در سال ۱۲۹۱هـ در حضور ناصرالدین شاه در باغ جدید الاحداث عشرت آباد با تخلص ادیب شعری^{۱۹} گفت که موجب اعطای لقب فروغی از جانب شاه به وی گردید. کلمه‌ی فروغی بعدها نام خانوادگی اولاد و اعقاب میرزا محمد حسین گردید.^{۲۰} محمد حسین در دارالطباعة دولتی علاوه بر منصب منشی و مصحح روزنامه‌ها به عنوان مترجم عربی و فرانسه کار می‌کرد. روزنامه‌های شرف و اطلاع و ... از جمله روزنامه‌هایی بودند که میرزای فروغی کتابت آنها را بر عهده داشت.^{۲۱} وقتی اداره‌ی انطباعات به وزارت انطباعات ارتقاء یافت محمد حسین فروغی هم

از جانب اعتمادالسلطنه که اکنون وزیر انطباعات بود به مقام ریاست دارالطباعه و دارالترجمه دولتی رسید.^{۲۲} هنگامی که میرزا ملکم‌خان روزنامه قانون را در لندن انتشار داد، فروغی آن را در تهران توزیع می‌کرد. حتی وقتی ورود و توزیع روزنامه به دستور ناصرالدین شاه ممنوع گردید، فروغی مخفیانه آن را توزیع می‌نمود. وقتی خبر به شاه رسید، دستور تعقیب و مجازات فروغی را داد. دوستی و هم مسلکی میرزای فروغی با میرزا ملکم‌خان، خشم ناصرالدین شاه و گرفتاری شدید وی را به همراه داشت.^{۲۳} تا جاییکه میرزا ابوتراب‌خان مستشار اداره‌ی پلیس خانه‌ی وی را مورد تفتیش قرار داد. میرزای فروغی مدتی در طویله‌ی امین‌السلطان بست نشست تا سرانجام با وساطت امین‌السلطان از صدمات احتمالی مصون ماند.^{۲۴} سرانجام با رفتن به نزد شاه و اعلام بی‌تقصیری مورد بخشش شاهانه قرار گرفت.^{۲۵}

در یکی از نامه‌های سید جمال‌الدین خطاب به اعتمادالسلطنه در سال ۱۳۰۹هـ از میرزای فروغی نام برده شده است. نشان دهنده‌ی مناسبات میرزا محمد حسین با سید جمال و اطرافیانش می‌باشد که همین امر موجبات تفتیش دوباره‌ی خانه و اسناد خانوادگی را توسط مأمورین نظمیه فراهم آورد.^{۲۶} در ۲۷ ذی‌عده سال ۱۳۱۱هـ هنگام حضور شاه در بهارستان، به درخواست اعتمادالسلطنه لقب خانی و ذکاءالملک به میرزا محمد حسین فروغی اعطاء گردید.^{۲۷} محمد حسین فروغی که به تعلیم زبان بسیار اهمیت می‌داد در سن چهل سالگی به تعلیم سه زبان فارسی، عربی و فرانسه در دارالفنون به دانش آموزان و دو فرزندش می‌پرداخت.^{۲۸} اعتمادالسلطنه درباره‌ی وی می‌نویسد: «... در نظم و نشر از صنادید اساتید عصر محسوب می‌شود و جمیع فنون شعریه را از قطعه و غزل و قصیده و رباعی و غیرها با کمال مهارت می‌سازد و الحق استادانه می‌پردازد. همانا در قوت عقل و سعه خلق و صفاء نظر و اتقان عقیدت و لطف قریحت و کثرت تجارب و سیاحت نوادر و عجائب بسیار کم نظیر است و سال‌ها می‌گذرد که با مؤلف همراه و همراز، و در زحمات و صدمات سهیم و انباز می‌باشد».^{۲۹}

فرزندش محمد علی درباره‌ی نحوه‌ی تربیتش می‌نویسد: «...تعلیمات اخلاقی پدرم که از مصاحبت او حاصل می‌شد از این قبیل بود که شرافت انسان به کمال

وجود اوست نه به مال و شئونات و برای توضیح می‌گفت چه خوبست که شخص چون به حمام می‌رود و از جامه و علائق ظاهری و تعینات خارجی مجرد می‌شود به خود بپردازد و در آن حال ببیند کیست و چیست و چه ارزشی دارد. کمال را نه دزد می‌برد نه شاه و وزیر از انسان سلب می‌کنند.^{۳۰}

میرزا محمد حسین در سال ۱۳۱۴ هـ در سال اول سلطنت مظفرالدین شاه امتیاز روزنامه تربیت را که نویسندگی آن را هم خود بر عهده داشت را انتشار داد. روزنامه تربیت از ۱۳۱۴ ق تا ۱۳۲۵ ق به مدت ده سال در تهران انتشار می‌یافت. این روزنامه که با روی کار آمدن امین‌الدوله با استفاده از فضای ایجاد شده در در زمان صدراعظم جدید، رویه خود را که تا قبل از این مبنی بر تملق‌گرایی و عدم انتقاد از دولت بود تغییر داده و به بیان حقایق و نگارش مطالبی برای آگاهی و بیداری ایرانیان روی آورد. تا آنجا که کلمه‌ی آزادی در این روزنامه مورد استفاده قرار گرفت.^{۳۱} پسرش میرزا محمد علی‌خان مقالاتی از انگلیسی و فرانسه ترجمه می‌کرد و ذکاءالملک آنها را با ادبیات معمول زمانه به نگارش در می‌آورد و به بهبود دانش و بینش مردم کمک می‌کرد. ذکاءالملک گاهی قصائدی در مدح صدراعظم‌های ایران می‌سرود و آنها را به انجام کارهایی که نکرده بودند تشویق می‌نمود. با آغاز دوران صدارت امین‌الدوله زمینه‌ی آزادی قلم بیشتری فراهم گشت و برای تبریک صدارت وی این بیت را در روزنامه خود درج نمود: بهر صورت چه آسان و چه دشوار // همانا حق رسد آخر به حق دار^{۳۲} برای انتشار و پخش اخبار مربوط به اوضاع معارف کشور و دارالفنون، بزرگان و رؤسای فعال در دارالفنون تصمیم به ایجاد روزنامه معارف گرفتند و به همین خاطر از محمد حسین ذکاءالملک دعوت به همکاری نمودند ولی در نهایت از وی خواستند تا در روزنامه تربیت صفحه‌ای جداگانه به این امر اختصاص دهد.^{۳۳}

در سال ۱۳۱۷ هـ در دوره‌ی مظفرالدین‌شاه، مدرسه علوم سیاسی جهت تربیت کارکنانی برای وزارت امور خارجه با ریاست میرزا حسن خان مشیرالملک آغاز به کار کرد. ذکاءالملک به عنوان معلم ادبیات در آن مدرسه شروع به تدریس نمود.^{۳۴} عبدالله مستوفی از جمله شاگردان وی بود دو پسرش محمدعلی و ابوالحسن نیز در

این مدرسه تدریس می‌نمودند.^{۳۵} کتابهای درسی تاریخ ملل قدیم همچون مصر توسط محمد علی فرزند ذکاءالملک ترجمه و بعد از چاپ در اختیار دانش آموزان مدرسه قرار گرفت. میرزا عبدالرزاق خان بغایری داماد ذکاءالملک تدریس جغرافیا و هیئت را به عهده داشت.^{۳۶} در سال ۱۳۲۰ش ریاست مدرسه سیاسی به محمد حسین ذکاءالملک رسید و فرزندش میرزا محمد علی معاونت مدرسه را به عهده گرفت و پس از فوت پدر به ریاست مدرسه رسید.^{۳۷}

انجمن معارف برای تأمین کتب درسی اقدام به تأسیس دارالتألیف و دارالترجمه نمود تا مانند شرکتی به منظور طبع و نشر کتب عمل کند. میرزا محمد حسین فروغی ذکاءالملک و پسرش میرزا محمد علیخان و محمد بن عبدالوهاب قزوینی برای انجام این مهم به کارگرفته شدند. این شرکت برای تهیه‌ی یک دوره تاریخ ایران بر اساس مستندات علمی جدید اقدام نمود و به یاری ذکاءالملک موفق به انجام این مهم گشت. تاریخ مختصری از روی تألیفات دانشمندان متخصص ترجمه و تألیف گشت و با خط خوش طبع و به دست محصلین مدارس جدید رسید.^{۳۸} فروغی کتاب‌هایی همچون تاریخ ملل مشرق، تاریخ ساسانیان راولینسون، سفر هشتاد روزه دور دنیا، بوسه‌ی عذراء، کلبه‌ی هندی، عجز بشر، چرا و به این جهت، غرائب و عجایب آسمان و غیر اینها همه را دیگران از فرانسه یا انگلیسی یا عربی ترجمه، نگارش و تصحیح کرد.^{۳۹} فروغی به دلیل مشغله‌های فراوان کمتر مجال یافت تا به فعالیت‌های ادبی بپردازد. اما با وجود این، به عقیده‌ی عباس اقبال محمد حسین فروغی به همراه ادیب الممالک فراهانی و امیرنظام گروسی از کسانی بودند که در آستانه مشروطه در به تأخیر انداختن انحطاط ادبی نقشی به سزا ایفا کردند.^{۴۰}

میرزا محمد حسین خان فروغی ذکاءالملک در سال ۱۳۲۵هـ در سن ۷۰ سالگی در تهران درگذشت و در ابن بابویه (شهر ری) به خاک سپرده شد. از فروغی دو پسر به نامهای محمدعلی و ابوالحسن و دو دختر که همگی آنها از همسر دومش بودند به یادگار ماند. دختران وی به نام‌های زهرا و عذراء به ترتیب با عبدالرزاق بغایری و وقار السلطنه محمود اورنگ نواده‌ی مرحوم میرزای وصال شیرازی (وفات ۱۳۰۵ش)

ازدواج نمودند و فرزانه دختر بزرگش از همسر اولش بود هرگز ازدواج نکرد.^{۴۱} محمد حسین برای تربیت فرزندانش محمدعلی و ابوالحسن وقت بسیار می گذاشت. چنانکه محمد علی می نویسد: «از وقتی که من متولد شدم می توان گفت تربیت من و آنها، هم واحد پدرم بود و از هر چیز دیگر برای این مقصود صرف نظر نمود و در جمیع امور این وجهه را منظور داشت و الحق علم تربیت فرزند را به کمال دارا بود و من در عمر خود کسی ندیده ام که از رموز و دقایق تربیت اولاد به آن درجه آگاه باشد و من آنچه دارم بی شبهه از حسن تربیت او و آنچه ندارم از قصور طبیعی خودم یا نقص اسباب و وسایل است و سرّ اصلی این حسن تربیت را هم عشق مفروطی می دانم که به فرزندان خود داشت و یقین است که شخص در هر امر تا از روی عشق کار نکند نتیجه ی بسزا نمی گیرد جز اینکه البته نکته سنج و دانشمند نیز بود و تمیز راه راست و کج را بخوبی می داد.»^{۴۲}

میرزا محمدعلی فروغی در اوایل دهه ی سوم جمادی الاخر ۱۲۹۴ق/ بهمن ۱۲۵۶ش ۱۸۷۷م در تهران به دنیا آمد. محمد علی از پنج سالگی تحت سرپرستی پدرش زبان فارسی، عربی، فرانسوی و انگلیسی و همچنین ریاضیات، فیزیک، شیمی و علوم طبیعی را فراگرفت. پدرش به آموختن زبان فرانسه اهمیت خاصی می داد. زیرا این زبان را کلید علوم جدید می دانست.^{۴۳} وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی به درخواست اعتمادالسلطنه در دارالفنون تهران، ابتدا در رشته ی پزشکی و داروسازی مشغول به تحصیل گردید و سپس به واسطه ی ذوق فطری که به ادبیات داشت از طب منصرف گشت و در رشته ی ادبیات و فلسفه وارد گردید و نزد چند تن از علما و حکمای آن دوره به تحصیل فلسفه پرداخت. چندی در مدرسه سپهسالار قدیم و مدتی در مدرسه ی خان مروی و زمانی در مدرسه ی صدر به تکمیل تحصیلات خویش در فلسفه ی مشاء و فلسفه ی اشراق گذرانید ولی گرایش او به فلسفه ی (مشاء) بیش از فلسفه اشراق بود. در همین مدت به تکمیل زبانهای فرانسه و انگلیسی اهتمام ورزید و متوجه آثار و نظریات فیلسوفان اروپایی گردید و مطالعات خود در این زمینه ادامه داد همچنین در رشته تاریخ جهان نیز تتبع و مطالعه نمود. در سال ۱۳۱۲ه که محمد علی به سن خدمات دولتی رسید با

استخدام در وزارت انطباعات، وظیفه مترجمی از زبان فرانسه و انگلیسی را به عهده گرفت و همزمان به شغل معلمی پرداخت، وی در مدرسه علمیه به تدریس فیزیک و در دارالفنون تدریس تاریخ را عهده‌دار گشت. با انتشار روزنامه تربیت توسط پدرش در ترجمه و انتشار آثار اروپاییان همکاری می‌کرد. بعد از چندی با تأسیس مدرسه‌ی علوم سیاسی مترجم مزبور مدرسه گردید و به همراه پدرش کتابهای «ثروت ملل» و «تاریخ ملل مشرق» را بعد از ترجمه و چاپ، در برنامه درسی مدرسه قرار داد. در سال ۱۳۲۰هـ/۱۲۸۱ش که پدرش به ریاست مدرسه گمارده شد محمد علی به استادی تاریخ و ادبیات و معاونت مدرسه انتخاب گردید.^{۴۴} در دوره‌ی اول مجلس شورای ملی به عنوان نماینده‌ی تهران به مجلس راه یافت و رئیس دفتر مجلس گردید و پس از درگذشت پدرش در سال ۱۳۲۵/۱۲۸۵ش بنا به پیشنهاد وزارت امور خارجه، از سوی محمد علی شاه ملقب به ذکاءالملک (دوم) گردید و به ریاست مدرسه علوم سیاسی رسید. وی از سال ۱۳۲۵ تا اوائل شوال ۱۳۲۷هـ ریاست آن مدرسه را به عهده داشت.^{۴۵} در دوره‌ی دوم انتخابات مجلس در سال ۱۳۲۷هـ از تهران به وکالت مجلس انتخاب شد و در جمادی‌الثانی ۱۳۲۸/۱۲۸۹ به جای میرزا صادق مستشارالدوله به سمت ریاست مجلس شورای ملی انتخاب گردید. در دوران ریاستش بر مجلس همراه با چند نفر دیگر تربیت احمدشاه را به عهده گرفت. در محرم ۱۳۲۹/۱۲۸۹ از ریاست مجلس کناره گرفت و مدتی نیابت مجلس دوم را به عهده گرفت. در دوره‌ی سوم مجلس نیز از تهران به وکالت انتخاب شد تا اینکه چندی بعد با تصویب قانون تشکیلات عدلیه و تأسیس دیوان تمیز، به ریاست آن برگزیده شد و با قبول این سمت از وکالت ناگزیر استعفاء داد. فروغی در سال ۱۳۲۹هـ به وزارت مالیه منصوب شد. مدتی نیز ریاست دیوان عالی کشور را به عهده گرفت. در سال ۱۳۳۳هـ/۱۲۹۳ش میرزا حسن پیرنیا مشیرالدوله وزارت عدلیه‌ی کابینه خود را بر عهده‌ی فروغی گذاشت و به اتفاق مشغول تنظیم قانون اصول محاکمات جزایی شدند و به همراه عده‌ای قوانین بسیاری را فراهم آورد که بعدها اساس تشکیلات دادگستری گردیدند. وی در سال ۱۲۹۸ش با عضویت در هیئت نمایندگی ایران به کنفرانس صلح پاریس رفت. وی به مدت دوسال در اروپا

ماند و در این مدت چند سخنرانی مهم درباره تاریخ و ادبیات ایران در محافل فرهنگی فرانسه و آلمان ایراد کرد که شناخت مستشرقین را نسبت به آثار گذشته ایران بیشتر نمود.^{۴۶} فروغی پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۰۱ش در کابینه حسن مستوفی الممالک وزارت امور خارجه و در ۱۳۰۲ش در کابینه ی حسن پیرنیا وزارت مالیه را بر عهده گرفت. از سال ۱۳۰۲ش تا ۱۳۰۴ش که سردار سپه رضاخان چهار کابینه تشکیل داد فروغی در دو کابینه وزارت امور خارجه و در دو کابینه دیگر وزارت مالیه را به عهده داشت.

در نهم آبان ۱۳۰۴ش بعد از تصویب طرح خلع قاجاریه از سلطنت و سپردن حکومت موقتی به رضاخان، کفالت ریاست الوزراء را عهده‌دار گردید و با تأسیس و استقرار دولت پهلوی در ۲۸ آذر ۱۳۰۴ش، به ریاست الوزرائی رسید. ولی دوره ی ریاست الوزرائی وی بیش از شش ماه دوام نیاورد. در ۱۳۱۲ش بعد از برکناری مخبرالسلطنه برای دومین بار به ریاست الوزرائی رسید و به مدت دو سال در این منصب باقی ماند. در این مدت دو ساله اقدامات فرهنگی مهمی را چون؛ تأسیس دانشگاه تهران، تأسیس فرهنگستان ایران، برگزاری جشن هزاره ی فردوسی، تشکیل انجمن آثار ملی، تجدید ساختمان آرامگاه حافظ و سعدی صورت داد. از آذرماه ۱۳۱۴ تا شهریور ۱۳۲۰ به خاطر وساطت در نزد رضاشاه برای ممانعت از تیرباران محمد ولی اسدی نایب التولیه آستان قدس رضوی نزد رضاشاه مغضوب و خانه نشین گردید. در اوائل آبان ۱۳۲۱ش در حالیکه وزیر دربار بود در اثر عارضه بیماری قلبی درگذشت.^{۴۷} «سیر حکمت در اروپا»، «آئین سخنوری»، «اصول علم ثروت»، «حقوق اساسی»، «تاریخ مختصر ایران»، «حکمت سقراط بقلم افلاطون»، «دوره ی علم فیزیک»، «تلخیص شاهنامه فردوسی» و تصحیح «گلستان سعدی» و «دیوان حافظ» و ... از جمله آثار محمد علی فروغی می‌باشند.

محمدعلی فروغی در جوانی با خواهرزاده ی رضا قلی نظام السلطنه مافی ازدواج نمود. چهار پسر و دو دختر حاصل این ازدواج بود. وی سه تن از فرزندان خود را برای تحصیل به اروپا فرستاد. جواد پسر ارشد وی در رشته ی علوم سیاسی تحصیل کرد و در وزارت خارجه اشتغال یافت. وی در سال ۱۳۳۷ش در حالیکه وزیر مختار

ایران در ایتالیا بود درگذشت. محسن فرزند دوم محمد علی پس از انجام تحصیلات ابتدایی و متوسطه به فرانسه رفت و در رشته‌ی معماری درجه‌ی مهندسی گرفت. پس از بازگشت به استخدام دانشگاه درآمد و مدتها ریاست دانشکده هنرهای زیبا را به عهده داشت و سرانجام در ۱۳۶۲ش درگذشت. مسعود فرزند سوم محمدعلی فروغی پس از تحصیل در ایران به اروپا رفت و در رشته علوم سیاسی لیسانس گرفت و مشاغل و مناصبی را در طول حیات عهده‌دار شد. در سال ۱۳۶۰ در سن ۶۸ سالگی درگذشت. محمود چهارمین فرزند محمد علی فروغی در ایران تحصیل کرد او در سال ۱۳۱۴ش بعد از پایان تحصیلات ابتدائی و متوسطه دیپلم گرفت و وارد دانشکده حقوق شد و در سال ۱۳۱۷ش لیسانس گرفت. او مدتی سفیر کبیری و سرکنسولی ایران را در چند کشور تجربه کرد. وی در سن ۷۷ سالگی در اروپا درگذشت.

اما دومین پسر محمد حسین فروغی، ابوالحسن فروغی در سال ۱۳۰۱هـ/۱۲۶۳ش در تهران متولد شد. در سن شش سالگی تحصیلات ابتدایی را در خانواده و نزد پدر آموخت. پس از طی دوران ابتدایی در سال ۱۳۱۲هـ به دارالفنون رفت وی که از شاگردان برجسته‌ی دارالفنون بود، در آنجا نزد معلمین آن دوران علوم متداول زمان را بسیار خوب آموخت. سپس برای تکمیل زبان فرانسه به مدرسه آلیانس فرانسه رفت و بعد از سه سال تحصیل، زبان فرانسه را به خوبی آموخت.^{۴۸} وی به همراه محمد قزوینی از آن مدرسه دیپلم گرفت و پدرش این مطلب را در روزنامه تربیت منعکس نمود.^{۴۹} آنگاه به زبان و ادبیات فارسی و عربی پرداخت و چون شوق و علاقه‌ای به فلسفه و عرفان داشت، بیشتر وقت خود را صرف فلسفه قدیم و جدید نمود و با مکتب‌های فلسفی آشنا شد و در مدرسه سپهسالار قدیم آن را تکمیل نمود.^{۵۰}

ابوالحسن فروغی در سن هجده سالگی به روزنامه‌ی تربیت که پدرش انتشار می‌داد پیوست و مدیریت داخلی و توزیع روزنامه‌ی مزبور را بر عهده گرفت. پس از تعطیلی روزنامه‌ی تربیت که مقارن طلوع مشروطیت بود، به کار معلمی و تدریس پرداخت و در مدارس علمیه و دارالفنون ساعاتی از وقت خود را صرف تدریس

می‌نمود.^{۵۱} وی پس از بازگشت از سفری که به فرنگ رفته بود، بر اثر تسلط به زبان فرانسه به سمت مترجمی آقای دانتان معلم طبیعی دارالفنون (شعبه‌ی طب) بر گزیده شد.^{۵۲}

ابوالحسن فروغی در مدرسی چون آلیانس و خرد هم تدریس می‌کرد. او به همراه برادرش محمد علی فروغی در خرید وسایل مورد نیاز مدارس و همچنین تهیه کتب مورد نیاز دانش آموزان و نیز مطالبه حقوق معلمان مدارس اهتمام جدی داشت. در راه اندازی برخی مدارس چون مدرسه «شمیران» نیز نقش مهمی ایفا نمود.^{۵۳} در سال ۱۳۲۲هـ به دلیل بیماری ابوالحسن، محمد علی سعی داشت تا جلوی تدریس وی را بگیرد ابتدا سعی نمود به دلیل آشنایی ابوالحسن با زبان فرانسوی، وی را به مسیو نس فرانسوی بسپارد چرا که ابوالحسن با فرانسوی آشنایی داشت سپس به پیشنهاد صدیق الحضرت او را به پستخانه سپرد و مدتی در اداره‌ی پست مشغول به کار شد ولی ابوالحسن به دلیل علاقه‌ای که به کار تدریس داشت از کار در پست خانه استعفاء داد و به کار تدریس بازگشت.^{۵۴}

ابوالحسن فروغی در سالهای مقارن با مشروطه نیز به عنوان فردی ترقی خواه و متجدد^{۵۵} همراه با برادرش در دارالفنون، در مدرسه‌ی حقوق و علوم سیاسی نیز به تدریس پرداخت. ابوالحسن فروغی در دوران مشروطه در دارالفنون تاریخ، تاریخ طبیعی و جغرافیا را تدریس می‌نمود. در آغاز استبداد صغیر کسانی همچون قاسم غنی در درس تاریخ و جغرافیا شاگردی ابوالحسن فروغی را نمودند.^{۵۶} عیسی صدیق که در دارالفنون درس می‌خواند، ابوالحسن فروغی را بهترین و مهمترین معلم خود می‌داند.^{۵۷} قبل از آنکه دارالمعلمین مرکزی در سال ۱۲۹۸ش تأسیس شود وی در دارالفنون از استادان برجسته بود بسیاری از دانشمندان و استادان بعدی دارالفنون در کلاس های پنجم و ششم شاگرد ابوالحسن فروغی بودند. در خرداد ۱۳۰۱ش/۱۳۴۰ق حقوق ماهانه‌ی ابوالحسن فروغی در مدرسه‌ی حقوق و علوم سیاسی چهل تومان بود.^{۵۸} نصرالله انتظام که در مدرسه علوم سیاسی تحصیل می‌کرد، ابوالحسن را نسبت به برادرش محمدعلی بشاش‌تر و خونگرم‌تر می‌داند. در جایی دیگر در توصیف شخصیت ابوالحسن، وی را در مقایسه با محمد علی دارای

شخصیتی احساساتی می‌داند.^{۵۹}

پس از دوران استبداد صغیر و تجدید حیات مشروطه و با اخراج اسمیرنوف روسی و معلم احمد شاه از ایران، ابوالحسن فروغی به همراه برادرش محمدعلی و کمال‌الملک برای تربیت احمد شاه مأمور شدند.^{۶۰}

در سال ۱۲۹۷ش/۱۳۳۷هـ با پایان جنگ اول جهانی، در دوره وزارت نصیرالدوله (احمد بدر) در وزارت علوم، دولت برای اولین بار رسماً به تربیت آموزگار در داخل کشور اقدام کرد در ولایات نیز به تناسب اهمیت و موقعیت آنها اقداماتی در توسعه مدارس به عمل آمد.^{۶۱} در چهاردهم مهر ۱۲۹۷ش شورای عالی معارف تشکیل یافت و ابوالحسن خان فروغی هم یکی از این اعضای این شورا بود که توسط نصیرالدوله بدر (وزیر علوم) انتخاب گردید.^{۶۲}

در سال ۱۲۹۸ش علاوه بر تأسیس هشت مدرسه و چهل دبستان در تهران و حومه، نخستین و مهمترین اقدام در زمینه معارف تأسیس دارالمعلمین مرکزی به ریاست ابوالحسن فروغی بود.^{۶۳} ابوالحسن فروغی در سال ۱۲۹۸ش با کمک برادرش محمد علی که ریاست دیوان عالی کشور را بر عهده داشت، به تأسیس دارالمعلمین مرکزی^{۶۴} همت گمارد و برنامه‌ی آن مدرسه با دوره‌ی شش ساله و مدرک تحصیلی دیپلم کامل متوسطه عیناً از مدارس متوسطه فرانسه اقتباس گردید.^{۶۵} عواید حاصله از شرکت فرهنگی که توسط محمد علی فروغی برای اجرای نمایش ایجاد شده بود به منظور ساخت مدارس به کارگرفته شد. بنای آن شرکت در سال ۱۲۹۸ش توسط ابوالحسن فروغی به محل دارالمعلمین مرکزی تبدیل شد.^{۶۶} دارالمعلمین از دو کلاس، یکی برای تربیت معلمان برای مدارس ابتدائی و کلاس عالی برای تربیت دانش آموزان متوسطه تشکیل می‌شد.^{۶۷} ابوالحسن که به مدت ده سال (۱۲۹۸ش- ۱۳۰۷ش) بر دارالمعلمین ریاست داشت، از بسیاری از دانشمندان و نخبگان زمان برای تربیت معلمان در این مرکز استفاده گردید.^{۶۸} اسماعیل مرآت از شخصیت‌های فعال در زمینه‌ی معارف، از جمله کسانی است که از همان ابتدای تأسیس دارالمعلمین به معاونت دارالمعلمین منصوب شد و تدریس فیزیک در این مدرسه را به عهده گرفت.^{۶۹} میرزا ابوالحسن فروغی که به پاک اعتقادی، پرکاری، هوشیاری و

صمیمیت مرآت آگاه بود در همه‌ی کارها با او مشورت می‌نمود.^{۷۰} عیسی صدیق از جمله شاگردان ابوالحسن فروغی بود که در سال ۱۳۰۲ ش در دارالمعلمین مرکزی آموزش زبان و ادبیات فرانسه کلاس پنجم و ششم به وی واگذار گردید. ابوالحسن فروغی همچنین تدریس زبان انگلیسی را بر عهده وی سپرد.^{۷۱} ابوالحسن فروغی، که در دارالمعلمین مرکزی و بعداً در دارالمعلمین عالی به تدریس جغرافیا و تاریخ ملل مشرق می‌پرداخت^{۷۲} و چون زبان فرانسه را خوب می‌دانست از فلسفه غرب هم بهره فراوان داشت.^{۷۳} تفسیر قرآن کریم و تطبیق آن با موازین کنونی برای شاگردان دارالمعلمین از کارهایی بود که ابوالحسن به آن علاقه‌ی فراوان داشت.^{۷۴} محمود نجم‌آبادی درباره‌ی وی می‌نویسد علاقه‌ی وی به قرآن کریم چنان بود که دائماً این کتاب بزرگ آسمانی را همراه داشت.^{۷۵} یغمائی درباره‌ی روش تدریس وی در دارالمعلمین می‌نویسد: «...فروغی ملایم، آهسته و با تأنی، یکسان و یکنواخت، بی‌هیچ زیر و بم و تغییر آهنگ، حرف می‌زد، و در ضمن تدریس چندان مطالب گوناگون مانند داستان‌ها و مطالب عرفانی - مانند مثنوی مولانا - در هم می‌آمیخت که محصلین غالباً خسته و ملول می‌شدند. درس فروغی را مخصوصاً در ساعت آخر قرار داده بودند و قبلاً چراغ‌های نفتی را آماده می‌کردند چه مسلم بود که چند از شب رفته جلسه‌ی درس وی پایان خواهد یافت. مطالبی را که فروغی در فلسفه و تفسیر و تاریخ می‌فرمود بیشتر نتیجه‌ی دریافت‌های خودش بود و از حدود فهم محصلین بیرون، از این روی کم‌تر شاگردی بود که از فیض محضر استاد بهره‌ی تمام برد، با این همه اگر محصلی حوصله می‌نمود و توجه می‌کرد در خلال گفته‌هایش نکاتی باریک و بدیع نهفته بود.»^{۷۶}

در مجموعه‌ی آثاری که برای تدریس تألیف و ترجمه نمود می‌توان به کتاب‌هایی همچون: مکاشفات علمی، یونان قدیم، علم منطق جدید و قدیم، فلسفه حکمت، ترجمه‌ی خطابه‌ای از ب. آگوستن هامن، مثنوی زاله‌نامه، رباعیات و غزلیات، تاثیر منظوم داستان خسرو و برجیس یا جوانی و جانفشانی اشاره نمود. محسن فروغی و سه برادر دیگرش (فرزندان محمد علی) در دارالمعلمین تحصیل نمودند.^{۷۷} اقبال یغمائی در جایی دیگر توصیف شخصیت ابوالحسن فروغی در زمان ریاست بر

دارالفنون می‌نویسد: «در سال ۱۳۰۰ش که حبیب یغمائی به دارالمعلمین عالی درآمد ابوالحسن رئیس آن مدرسه بود و در حدود چهل سال داشت. کلاه ماهوتی معمول آن دوره را به سر می‌گذاشت سرداری می‌پوشید قامتی متوسط و جثه‌ای ضعیف داشت. ریشش را که جو گندمی شده بود با ماشین اصلاح می‌کرد یعنی نمی‌تراشید.»^{۷۸} در سال ۱۳۰۷ش با افزایش مدارس و دبیرستان‌ها و نیاز روز به روز به معلم، یحیی قره‌گوزلو اعتمادالدوله وزیر معارف وقت دارالمعلمین مرکزی را به دارالمعلمین عالی تغییر داد^{۷۹} و در فروردین ۱۳۱۱ش عیسی صدیق از طرف وزارت معارف به ریاست دارالمعلمین عالی منصوب گردید و در نوزدهم اسفند ۱۳۱۲ش نام دارالمعلمین عالی به دانشسرای عالی مبدل گردید. ابوالحسن فروغی نیز در زمره‌ی معلمین و اساتید دارالمعلمین عالی قرار داشت.^{۸۰}

از شاگردان برجسته ابوالحسن فروغی در دارالمعلمین می‌توان از افرادی همچون: میرزا محمود خلیلی عراقی، میرزا جواد خان فروغی، سید فخرالدین شادمان، حسین خان آزموده، میرزا مهدیخان بهرامی، میرزا محسن خان فروغی، میرزا محمد جواد تربیتی، میرزا حبیب‌اله یغمائی، سید احمدخان رضوی، ابوالقاسم خان نجم‌آبادی، عباس خان زاهدی، حسین خان مفتاح، سیدحسین دهاء، قدرت‌الله خان مرشدزاده، غلامحسین خان مصاحب، مهدی بازرگان، میرزا تقی خان فاطمی، سید عبدالله خان ریاضی، یداله سبحانی، علی خان افضل‌پور، خان باباخان ایروانی، احمدخان پارسا، محمود میرزا رخشانی، محمد قریب، حاجی خان فرشاد، عباس خان ریاضی یاد کرد. عباس اقبال آشتیانی و مجتبی مینوی هم از شاگردان برجسته ابوالحسن فروغی بودند. بین فروغی و اقبال علاوه بر رابطه استاد و شاگردی، یک رابطه دوستانه‌ای نیز برقرار بود و فروغی از تربیت اقبال و پروبال دادن به او کوتاهی نمی‌کرد و همواره از او حمایت می‌نمود. فخرالدین شادمان از اولین روشنفکرانیست که در فرآیند گفتمان غربزدگی مطرح گردید.^{۸۱} با توجه به آنکه قبل از وی ابوالحسن فروغی به این مهم پرداخته و رساله تجدد و ملیت وی یا به عبارت دیگر فصل سوم این کتاب به این مهم اختصاص دارد بدون تردید اندیشه‌ی وی را می‌توان متأثر از ابوالحسن فروغی دانست. در این میان مهندس

بازرگان نیز که از فعالین و روشنفکران معاصر می‌باشد حضورش در کلاس درس ابوالحسن فروغی در شکل‌گیری اندیشه‌ی وی مؤثر گردید.^{۸۲}

همزمان با تأسیس دارالمعلمین مرکزی، نصیرالدوله (احمد بدر) وزیر معارف، اقدام به انتشار مجله‌ای با عنوان «اصول تعلیمات» نمود. مدیریت مجله اصول تعلیم را که از طرف اداره‌ی تفتیش وزارت معارف منتشر می‌شد، به ابوالحسن فروغی واگذار کرد که با کمک مدرسین و معلمین آن را منتشر سازد. این مجله که هزینه‌ی آن را وزارت معارف تأمین می‌نمود، یک مجله‌ی فلسفی، تربیتی، علمی، تاریخی و ادبی متعلق به وزارت علوم بود که گزارش امتحانات مدارس تهران و احصائیه مدارس را ارائه می‌کرد. با تمام کوششی که برای ادامه‌ی کار این مجله به عمل آمد، مع الوصف شش شماره بیشتر منتشر نشد.^{۸۳} مجله مزبور در واقعه ماهنامه‌ای بود که ماهی یکبار و به صورت نامرتب و در هزار نسخه، در مطبعه‌ی روشنائی تهران واقع در خیابان علاءالدوله چاپ و منتشر می‌گردید.^{۸۴} از میان نویسندگان و اعضاء هیئت تحریریه نشریه‌ی مزبور که ابوالحسن فروغی از آنها کمک گرفت می‌توان: غلامحسین رهنما، ابوالقاسم بهرامی، عبدالعظیم قریب، اقبال آشتیانی، علی‌اکبر سیاسی، اسماعیل مرآت، حبیب‌الله آموزگار، محسن قریب، رضا فهیمی، حبیب‌الله صحیحی و عیسی صدیق را نام برد. ابوالحسن فروغی در هر شماره‌ی این مجله علاوه بر مطالب هیئت تحریریه دو مقاله فلسفی چاپ می‌کرد.^{۸۵} وی پس از تعطیلی مجله‌ی اصول تعلیم، در سال ۱۳۰۰ مجله‌ی فروغ تربیت را انتشار داد که آن هم دوام زیادی پیدا نکرد و از چند شماره تجاوز ننمود.^{۸۶} غلامحسین رهنما، میرزا ابوالحسن فروغی، اقبال آشتیانی و میرزا عبدالعظیم خان غریب در نگارش مقالات و طبع و نشر مجله‌ی فروغ تربیت با وی همکاری می‌کردند.^{۸۷}

در مهرماه ۱۳۰۵، کمیسیون‌ی به منظور تفکیک کتابخانه‌ی سلطنتی و انتقال برخی از کتابها به کتابخانه‌ی ملی با عضویت میرزا ابوالحسن خان فروغی، پرفسور هرتسفلد و حکمت تشکیل گردید. به تشخیص این کمیسیون ده هزار مجلد کتاب فارسی، عربی، فرانسه، انگلیسی، روسی و آلمانی به کتابخانه‌ی ملی انتقال یافت.^{۸۸}

ابوالحسن فروغی جمعاً چهار بار به مسافرت اروپا رفت و در کنگره های علمی و ادبی شرکت پیدا نمود. او در سال ۱۳۰۶هـ به مدت دو سال برای تکمیل و توسعه مطالعات فلسفی و علمی خود عازم اروپا شد.^{۸۹} در سال چند بار به پاریس می رفت و غالباً از طرف مؤسسات فرهنگی و علمی فرانسه برای ایراد سخنرانی و مسائل فلسفی به پاریس می رفت. در بین دانشمندان و فلاسفه ی معروف غرب شهرتی به سزا داشت و از این نظر مورد احترام بود. مقام و موقعیت علمی او را آکادمی فرانسه بسیار ممتاز می دانست و با بسیاری از مستشرقین و ایران شناسان در ارتباط بود. با کسانی همچون علامه قزوینی، قوام السلطنه و ممتاز السلطنه در پاریس دیدار داشت.^{۹۰} پس از بازگشت از مسافرت در سال ۱۳۰۸هـ به دعوت دولت شوروی در جشن یکصدمین سال تولد تولستوی شرکت کرد و سخنرانی جالبی در مورد ادبیات فارسی ایران نمود.^{۹۱} ابوالحسن فروغی یکبار نیز در کنگره خاورشناسان که در شهر خارکف تشکیل شده بود، شرکت کرد.^{۹۲} در سال ۱۳۰۷ش وقتی تدوین تاریخ مفصل ایران اولین بار مورد توجه وزارت فرهنگ قرار گرفت و قرار شد عده ای از دانشمندان از جمله میرزا حسین مشیرالدوله پیرنیا، عباس اقبال، ابوالحسن فروغی و محمد قزوینی این مهم را به انجام برسانند. که نهایتاً توسط مشیرالدوله در سال ۱۳۰۸ش تألیف کتاب تاریخ قدیم ایران آغاز شد و در سال ۱۳۱۳ش آن را به پایان برد که از ابتدا تا پایان سلسله اشکانی را شامل می شد.

ابوالحسن فروغی در سال ۱۳۱۲ش زمانی که برادرش محمد علی فروغی سمت نخست وزیری را به عهده داشت به سمت وزیر مختار ایران در سویس انتخاب شد و یک سال در این مأموریت حضور داشت. وی در سال ۱۳۱۳ش نمایندگی ایران را در جامعه ی ملل بر عهده گرفت و سرانجام در ۱۳۱۴هـ ایران بازگشت.^{۹۳} نصرالله انتظام که همراه وی در جامعه ی ملل حضور داشت، ضمن تمجید از شخصیت اخلاقی ابوالحسن، وی را در مسائل دیپلماتیک بی تجربه و در دسر آفرین می داند. بی تردید شخصیت علمی و دانش دوست ابوالحسن فروغی با مسائل سیاسی و دیپلماتیک بیگانه بود تا آنجا که بعد از یکسال به تهران احضار گردید و به جای وی مصطفی عدل (منصور السلطنه) به جامعه ملل به عنوان نماینده دائم ایران معرفی

گردید.^{۹۴}

ابوالحسن پس از بازگشت از نمایندگی جامعه ملل، در منصب استادی دانشگاه تهران، تدریس در دانشکده حقوق و دانشکده معقول و منقول و بحث در فلسفه‌ی قدیم و جدید را عهده‌دار شد و توجه خود را به تألیف کتب فلسفی معطوف داشت.^{۹۵} در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۴ش با تلاشهای محمد علی فروغی ریاست الوزراء، هیئت دولت اساسنامه‌ی فرهنگستان ایران به تصویب رساند و در پنجم خرداد برای اجرا به وزرات فرهنگ ابلاغ شد و با تأسیس فرهنگستان بیست و چهار عضو پیوسته از طرف هیئت دولت معین شدند. ابوالحسن فروغی در زمره‌ی اعضای پیوسته فرهنگستان منصوب شد و تا پایان عمر در مشاغل فرهنگی فعالیت نمود.^{۹۶} وی در فرهنگستان تمام سعی خود را به کار برد تا لغات مبتذل در زبان فارسی رخنه نکند. ابوالحسن فروغی در سال ۱۳۲۴ش از طرف وزرات فرهنگ برای تأسیس دانشگاه به خراسان مأموریت یافت. وی قصد تأسیس مدرسه‌ی عالی در مشهد داشت که عملی نشد.^{۹۷} ابوالحسن فروغی در سالهای پایانی حیات برادرش محمد علی را در انجام تألیفات و تحقیقاتش از جمله در آثار ادبی و در ترجمه و تفسیر شقای ابن سینا یاری نمود.^{۹۸}

میرزا ابوالحسن فروغی در ساعت پنج بامداد پنجم بهمن ۱۳۳۸/۲۶ رجب ۱۳۷۹هـ/۲۷ ژانویه ۱۹۶۰م در ۷۷ سالگی در گذشت. عبدالله فروغی تنها فرزند باقی مانده‌ی ابوالحسن فروغی و از دانشکده‌ی معماری و مهندسی فارغ التحصیل شد و مدتی هم در دانشکده‌ی مزبور تدریس نمود. کار اصلی وی مهندسی ساختمان (مخصوصاً ساختمان بیمارستان) بود. در سال ۱۳۴۰ش در عنفوان جوانی درگذشت.

ابوالحسن فروغی در زمره‌ی مردانی بود که آبادانی کشور را آرزو داشتند، فروغی همواره اندیشه پیشرفت و آبادانی کشور را دنبال می‌نمود. در نوشته‌ای که از وی در مجله‌ی یغما در سال ۱۳۴۶هـ به چاپ رسیده از خدمات امیرکبیر در زمینه‌ی سماور سازی یاد می‌کند و خدمات وی را در زمینه توسعه‌ی این صنعت بر می‌شمارد و هدف وی آن است تا صاحبان هوش و نظر قدر کفایت و کاردانی امیر را دریابند و